

شورش‌های
کردان‌مکری
در دوران سلطنت
دودمان پهلوی

تألیف

احمد شریفی

شود شهای
کردان مکری
در دوران سلطنت
دودمان پهلوی

تألیف

احمد شریفی



شورشهاي گردان مکري در دوران سلطنت دودمان پهلوی

احمد شريفي

چاپ اول پايزز ۱۳۵۷

تبريز ، چاپ شفق

صحافي از : آنا صحاف ، گوروش ، پاساز انگري

شورش‌های کردان مکری ریشه‌ای بس عمق دارد و اگر بخواهیم آنرا از ابتدا باز گو کنیم باید به دوران بسیار دوری از تاریخ این منطقه رجعت نماییم ولی هدف اساسی ما در اینجا بررسی و تحقیق درباره‌ی شورش اکراد منطقه‌ی مکریان در دوران ۵۰ سال سلطنت پر ارج دودمان پهلوی است و بس و برای رشته بدست گرفتن آن نیز باید به سر آغاز بلوهای منطقه‌ی کردنشین آذربایجان غربی در سال ۱۹۰۰ و قبل از آن رجوع کرد و بویژه قیام شیخ عبیدالله شمزینیان و هماهنگی حمزه آقای منگور و پشتیبانی نیروهای کرد ایل گور گئ در سال ۱۸۸۷ از شیخ عبیدالله^۱ که بعدها باعث تصرف مهاباد و میاندوآب و قسمتهای دیگری از منطقه‌ی کردنشین آذربایجان غربی بدست نیروهای شیخ گردید و این حوادث را می‌توان نقطه‌عطای در تاریخ مبارزات و شورش‌های کردان مکری دانست.

۱ - نقل از کتاب (خه بات له ری کردستان) نوشته‌ی خه لفین مورخ نامدار شوروی ترجمه‌ی جلال تقی بزبان کردی چاپ ۱۹۷۱ سیمانیه کردستان عراق

در شورشها و قیامهای کردان منطقه‌ی مهاباد دو قدرت روسیه‌ی تزاری و امپراطوری عثمانی همیشه نقشی داشته‌اند و بویژه امپراطوری عثمانی با رها به بهانه‌ی مسنی بودن کردهارا علیه دشمنان خود شورانیده است و بارها نیز اقدام بقتل عام آنان نموده چنانکه در سال ۱۹۱۴ بدستور آنها کردان مهاباد ژنرال گراخپکو کنسول روسیه را در مهاباد بقتل رسانید و همین کار باعث قتل عام و دست‌درازیهای روسیه در منطقه‌ی مکریان گردید لذا در سال ۱۹۱۵ قوای روسیه تزاری بخونخواهی ژنرال گراخپکو فرمان قتل عام مردم مهاباد را صادر کرده و آن شهر را غارت^۱ و تاراج می‌نمایند و گویا پنجهزار نفر از مردم مهاباد و حومه بدست روسها کشته می‌شوند و شهر را آتش می‌زنند پس از رفتن روسها از مهاباد سپاهیان عثمانی به بهانه‌ی همدستی بعضی از سران کرد مهاباد با روشها آنها هم به مهاباد حمله کرده و سه تن از سران کرد مکری را باسامی : ۱ - مرحوم محمد حسین خان سردار^۲ مکری حاکم امارات

مکریان

۲ - سیف‌الدین خان سردار

۳ - شیخ بابا روحانی و فیلسوف عالیقدر را در همان سال

۱ - تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان نوشته‌ی احمد کسری چاپ تهران

۱۳۵۰ ص ۷۰۷

۲ - ایرانی که من شناخته‌ام نوشته‌ی بازیل نیکتن ترجمه‌ی فرهوشی ص

۲۳۲ - ۳

۱۶ - ۱۹۱۵ اعدام می نمایند و شهر مهاباد را نیز بار دیگر آتش می زند و تا اندازه‌ای باعث رکود آتش انقلاب کرد در منطقه‌ی مهاباد و روی هم رفته و تمام نواحی کردنشین استان آذربایجان غربی می شوند ترکها با اینکار باعث شعله‌ور شدن آتش مجدد جنگک بین کرد و ترک در ترکیه می گردند و شیخ طه و شیخ عبدالقادر شمزینیان در نهروی^۱ و نوچه^۲ علم طغیان علیه امپراطوری عثمانی را بر می افروزند و در همین ایام نیز در کردستان ایران اسماعیل آفاسمکو رئیس عشیره‌ی شکاک بار دیگر آتش جنگهای داخلی را در کردستان ایران شعله‌ور می سازد و کردان آذربایجان غربی را بدور خود جمع می نماید و در اندک مدتی قوای قابل توجه‌ای از کردان را فراهم کرده و علم طغیان و شورش کرد را بر افراد شهادت و راه پیمای طریق شورش‌های پیشین عشاير کرد در منطقه می شود اسماعیل آفاسمکو فرزند علیخان فرزند محمد آقا فرزند اسماعیل از سران مقتدر ایل کرد شکاک بود که دارای نشان شوالیه^۳ دولاگراند کروادوبن بود و بعضی از مسائل^۴ از جمله کشته شدن برادرش جعفرخان شکاک را وسیله‌ی یاغی گری‌های خود قرار می دهد متوجه‌سی را سر می دهد و در اندک مدتی بسیاری از قبایل و عشاير کسرد منطقه را بدور

۱ و ۲ - اسمی دهات کردنشین در مرز ایران و ترکیه

۳ - نقل از کتاب (گلگون کفنان) نوشته‌ی سرتیپ یکر نگیان چاپ تهران

۱۳۴۶ ص ۳۵۷

۴ - نقل از کتاب (اسماعیل آفاسمکو) نوشته‌ی احمد شریفی چاپ تهران

۱۳۴۸ ص ۱۵ - ۱۶

خود جمع می آورد از جمله عشایر مکری باوی هماهنگی نشان می دهند و سمکو تا حدی پا از گلیم خود فراتر می نهند که بخيال خود مختاری کردستان می افتد و در شهر رضائیه اقدام به نشر روزنامه‌ای^۱ بزبان کردي و فارسي با اسم (کرد در سال ۱۳۴۰) می نماید و مدیریت آنرا بهعده‌ی مرحوم ملام محمد ترجانی که از علمای طراز اول مهاباد بوده واگذار می کند که ارگان رسمی تبلیغاتی خود قرار می دهد تا اینکه در زمستان سال^۲ ۱۳۰۰ برای بسط قدرت و قلمروی خود به مهاباد حمله می نماید قوای دولتی که عبارت از ۴۰۰ نفر را از دارم بفرماندهی مأذور ملک زاده بوده اسیر و در تپه‌ای بنام محمود کان قتل عام می نماید و از سوی خود حمزه آقای مامش را به حاکمیت مهاباد بر می گزیند و خود به چهربنک محل اقامتش عودت می نماید و در اردیبهشت ۱۳۰۱ نیروهای چریک دولتی بفرماندهی خالو قربان^۳ که از گردانکشان جنبش گیلان بود و پس از تسلیم بمقام سرهنگی نایل گردیده بود از خط بوکان میاندوآب به نیروهای سمکو که بفرماندهی سید طه فرزند شیخ عبید الله شمزینیان که

۱ - کتاب تاریخ رضائیه نوشته‌ی محمد تمدن چاپ تهران ۱۳۵۰ ص ۳۷۱

۲ - نقل از کتاب (مهاباد نامه) نوشته‌ی نگارنده با همکاری گروه تحقیق

مرکز مهاباد

۳ - خالو قربان یا خالو قوروان از پاران میرزا کوچک خان جنگلی بود

و پس از تسلیم بمقام سرهنگی نایل می شود و چون کرد بود و با موقعیت منطقه‌ی

کردستان آشنا بی داشت اورا علیه سمکو بسیج می نمایند.

درحالی مهاباد استقرار یافته بودند حملهور می‌شوندو با اینکه نیروهای سیدطه^۱ بیش از ۸۰۰ سوار کردند نبودند و در مقابل نیروهای خالوقران از چهارهزار متجموز بود ولی بعلت عدم آشنایی به منطقه و ناهماهنگی نیروها با همیگر در همان نخستین برخورد که روز شنبه دوم اردیبهشت ۱۳۰۱ در ارتفاعات ایندرقاش و کلک بگزادان در ۱۸ کیلومتری مهاباد روی می‌دهد فرمانده نیروهای دولتی یعنی خالوقران از پای درمی آید و نیروهای چریکی بدون بفرامین سرگرد جهانیانی تپه‌های اطراف قریه ایندرقاش را تخلیه کرده و توپخانه و مسلسلهای را جا می‌گذارند که بدست نیروهای سیدطه و سمکو می‌افتد و آنها را برای اعمال خود در آینده جری تر می‌نماید و این شکست قوای نابرابر باعث تقویت روحیه اکراد طرفدار سمکو و عدم اعتماد مردم از موقیت ارتش می‌شود و عملیات سمکو همچنان ادامه داشت تا اینکه سال ۱۳۰۴ سردار سپه رضا خان قصد دیدار از رضائیه را داشت و در کهنه شهر حوالی شاپور اسماعیل آقای سمکو نیز با ۱۲۰۰ نفر از سران کرد بحضور شان شرفیاب می‌شود و در این شرفیابی سردار سپه^۲ می‌فرمایند اسماعیل آقا عملیات تو بقدرتی مقتضی و بی‌رحمانه بوده است که در تاریخ بشریت کمتر نظری

۱ - نقل از کتاب (گلگون کفنان) نوشه‌ی سرتیپ یکر نگران چاپ ۱۳۳۶

تهران ص ۶۲ - ۳۶۰

۲ - نقل از کتاب (اسماعیل آقا سمکو) نوشه‌ی نگارنده چاپ ۱۳۴۸

تهران صفحات ۵۳ - ۵۲

داشته اما چون بنام من (سردار سپه) بشما تأمین داده اند همین کافی است که از تمام عملیات وقیع و شرم آورت صرفنظر شود. پس از این ملاقات سمکو ظاهرآ مطبع می شود و به سران کرد دستور توقف عملیات می دهد و از جمله مهاباد نیز روی امن و آسایش را که مدتی بود از آن بر گرفته شده بخود می بیند ولی سمکو از پای نمی نشیند و با اشاره بیکوف انقلابی و بلشویک مشهور روسیه تماس حاصل می نماید و از وی یاری می جویند و این عمل سمکو از نظر مقامات ایرانی دور نمی ماند و بار دیگر باعث نبردهای خونینی بین کردان و قوای دولتی می شود. در همان ایام نیز اعلیحضرت رضا شاه کبیر که مقام فرماندهی شاهنشاهی ایران را یافته بودند دستور متحدد الشکل بودن لباس و برداشتن چادر را صادر می فرمایند و این فرمان چون با روحیه فرهنگی و سنتی مردم بیسواند منطقه مهاباد هماهنگی نداشت باعث ناراحتی های فراوانی در منطقه می شود چنانکه در سال ۱۳۰۶ از سوی مردم مهاباد تظاهراتی برپا می شود و بیش از ۵۰۰ نفر توسط نیروهای انتظامی دستگیر می شوند و همین عمل باعث ایجاد بلو و غائله ملاخلیل گوره مهری گردید و او در پاییز سال ۱۳۰۷ با همدمتی عشاير منگور قیام نمود و تا بهار سال ۱۳۰۸ جنگی بین نیروهای کرد و قوای دولتی ادامه داشت ولی عاقبت نیروهای عشاير منگور از قوای انتظامی که بفرماندهی سرتیپ مظفرالدوله آنها را محاصره کرده بودند شکست خورده و ملاخلیل پس از شکست برای تماس و تقاضای کمک از اسماعیل آقای سمکو که در آنوقت در خاک

عراق در منطقه‌ی بارزان اقامت داشت بطراف پناهنه می‌شود ولی با تدایری که بزرگ‌تر ابراهیمی فرمانده عشایر منطقه‌ی مهاباد بخارج می‌دهد ملاخلیل به ایران عودت می‌نماید و در قریه میرآوا ساکن می‌شود ولی اسماعیل آقا سمتکو دست از باغی گری و ادعای خود مختاری و آزادی کردستان بر نمی‌دارد و با گروهی از سران و زبدگان عشایر همچنان در راه رسیدن به هدفهای خود کوشش می‌نماید تا اینکه او نیز در ۳۰ تیر ماه ۱۳۰۹ باتدایر سرهنگ نوروزی در شهر مرزی اشنویه بقتل می‌رسد ولی نه کشته شدن سمتکو و از کار کناره گیری ملاخلیل هیچ کدام نتوانستند مانع اصلی ایجاد و آشوب و بلواهای عشایر کرد در منطقه شوند زیرا در همان ایام کردهای ترکیه تحت فرماندهی ژنرال احسان نوری پاشا و حزب (خوبیون - استقلال) و کردهای عراق تحت فرماندهی شیخ عبدالسلام و شیخ احمد بارزانی مدعی بوجود آمدن کردستان بزرگ‌تر را داشتند و در ایران نیز کردهای آذربایجان غربی بویژه شکاک در حوالی رضائیه و مکریها در حوالی مهاباد در این راه می‌کوشیدند و کردهای استان کردستان و کرمانشاهان نیز بفرماندهی سردار رشید در منطقه‌ی روانسر و کردهای اطراف مریوان بفرماندهی محمود کان سلطان کردهای اطراف، بانه تحت ریاست محمد رشید خان و کردهای جوانرود بفرماندهی پسران جعفر سلطان همچنان در این راه و برای رسیدن باین هدف می‌جنگیدند و رویه مرفته تمام نواحی کردنشین ایران و ترکیه و عراق در آتش جنگ می‌سوزت تا اینکه در سال ۱۳۱۰ فرماندهان نیروهای

نظامی ایران و عراق و ترکیه متفقاً علیه اکراد وارد مبارزه می‌شوند و فرمانده عملیات ضد شورش‌های کرد را در ایران سرهنگ کلب علی‌خان بعده داشت ولی ایشان در یکی از نبردها بدست اکراد کشته می‌شود و عراق قادر به مبارزه با اکرادها نمی‌شود و به آنها امتیازاتی می‌دهد ولی ترکها که دل پرخونی از اکراد داشتند با تمام نیرو کردن را محاصره می‌نمایند و در کوههای آرارات در زمستان ۱۳۱۰^۱ آنها را سرکوب می‌کنند اکراد ناچار بفرماندهی ژنرال احسان نوری به ایران پناهه می‌شوند و در نتیجه آنها را به صفحات جنوب ایران گسیل می‌دادند و احسان نوری نیز در تهران اقامت می‌نماید که هنوز هم هست و از اینطرف نیز کردن از سپاهیان ایران شکست می‌خورند و آتش مسئله کرد تا حدودی بطور ظاهری خاموش می‌شود ولی امتیازاتی که دولت عراق به کردهای آن کشور داد و آزادی زنان و مطبوعات و تبلیغات کرد بودن باعث بوجود آمدن زیربنای فکری مسئله کرد گردید و جراید کردی زبان که در محتویات آنها به بررسی اوضاع تاریخی و سیاسی کرد و کردستان و زبان و فرهنگ کردی و شعر و ادبیات کرد می‌پرداختند و بویژه نیش قلم را متوجه آنسوی مرزهای کردستان عراق می‌کردند در سرتاسر مناطق کردنشین ایران و ترکیه سر ازیر می‌شود و طبقات باسوس و روشنفکر کرد را متوجه ایجاد کانونهای فرهنگی و سیاسی کرد مینمایند

۱- نقل از کتاب (گلگون کفنان) نوشتہ سرتیپ یکرنسیان چاپ ۱۳۳۶

چنانکه عکس العمل آن در ترکیه بصورت کانونهای فرهنگی و جمعیتهای کرد ظاهر گردید و در ایران بویژه در منطقه‌ی مهاباد نیز بصورت‌های گوناگونی منجلی گردید و صورت مبارزه‌ی کرد عوض گردید و بجای تا دندان مسلح شدن و احیاناً رهزنی و غارت غیر کرد جای خود را به فعالیتهای مخفیانه و سیاسی و جلسات کتاب‌خوانی و بحث و مبادله داد و سند در مهاباد دسته‌ای بنام محمدی پدید آمد که سردسته و رهبر آن شخصی بنام محمد خه یتو و او با اعضاء و اندامان جمعیت خود که گویا بیشتر از طبقات زحمتکش و توده‌های پایین اجتماع بودند تشکیل جلسات بحث و قرائت جراحت کردی و کتاب‌خوانی می‌داد تا اینکه این شخص توسط گروه دیگر که اکثریت اعضای آنرا ثروتمندان و اشراف مهاباد تشکیل می‌داده کشته می‌شود و اینکار باعث مبارزه‌ی شدیدی بین دو گروه می‌شود که بهر حال هر دو گروه نشانی از ضرورت مبارزه و اتحاد را نشان می‌دهند و از سال ۱۳۱۲ ببعد نطفه‌های سیاسی در منطقه روبرو فزوی یافت تا اینکه در سال ۱۳۱۳ تشکیلات منتظر الواقعی بنام (حزب آزادیخواه کردستان ایران) بوجود آمد که دارای برنامه‌کار و مرآمنامه و هدف اساسی و مشخصی نبود ولی با اینحال در قسمتهای عمده‌ای از مناطق کردن شین بسط و توسعه یافت و زعمهای کرد مبارزه عراقی نیز در تماس بودند و این حزب در مناطق کردن شین آذربایجان غربی تا سال ۱۳۲۰ فعالیت داشت و در جریان حوادث شهریور ۱۳۲۰ نیز این حزب بیانیه‌ای در تأیید از جریانات وقت منتشر می‌سازد و در همان سال شهر

مهاباد از سوی نیروی هوایی شوری بمبان می شود که اکنون آنسال در مهاباد بنام سال بمبانی معروفیت دارد . تشکیلات های سیاسی و نوپایی کرد در منطقه برای فراهم ساختن برنامه های کار و تشکیل اقدام به جلسه ای می نماید که در روز جلسه ای که در روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۱ مطابق با ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۲ در مهاباد تشکیل می شود و در آن جلسه نماینده هیئت اکسر دستان عراق میر حاج با نمایندگان حزب آزادی خواه کردستان ایران که عبارت بودند از :

۱ - ملا عبدالله داودی

۲ - قادر مدرسی

۳ - عبدالرحمن حلوی

۴ - عبدالرحمن زبیعی

۵ - احمد امامی

۶ - قاسم قادری

۷ - عزیز زندی مشهور به عزیز آلمانی

۸ - محمد نانوازاده

۹ - محمد امین^۱ شرفی

۱۰ - حسین فروهر

۱۱ - محمد یاهو

۱ - اسامی از کتاب (پیشووار) نوشتهی محمد صاحب چاپ بغداد بزبان

کردی ۱۹۷۱ ص ۱۰ استخراج شده

پس از مذاکرات و گفتگوهای بسیار اقدام به تشکیل حزب جدیدی بنام (کومه لهی زیانه‌وی کوردستان) تجدید حیات کردستان نمایند و حزب ژ - که متعهد می‌شود که در دو سوی مرز فعالیت نماید و در همان سال کنفرانس دیگری از سران احزاب کرد در مهاباد تشکیل می‌شود که در تاریخ به کنفرانس سه مرز معروفیت دارد زیرا نمایندگان احزاب کرد ترکیه - عراق و ایران در آن جلسه شرکت می‌نمایند که از طرف نهضت کردهای ترکیه قاضی ملاوه‌هاب و از سوی کردهای عراق شیخ عبیدالله و از سوی کردهای ایران قاسم^۱ قادری شرکت کرده و وارد گفتگو درباره‌ی مسائل سیاسی کسرد می‌شوند و در این مذاکرات و میادلات فکری سیاسی مسائل کرد قاضی محمد که در صفحات بعدی به تفصیل از آن یاد خواهیم کرد و بعدها بریاست جمهوری کردستان در مهاباد برگزیده می‌شود نقش مهمی داشته است و احزاب سیاسی کرد در عراق و ترکیه و ایران ضمن هماهنگی برنامه‌های خود اقدام به پخش و نشر جراید کردی می‌نماید و فعالیتها و کوشش‌های آنها تا سال ۱۳۲۳ ادامه داشته و در آن سال کنگره‌ی حزب تجدید حیات کردستان تشکیل می‌شود که در آن نمایندگان کردهای عراق و ترکیه نیز شرکت می‌نمایند و متفقاً اسم حزب را به حزب (دموکرات کردستان) تغییر می‌دهند . با تشکیل حزب دمکرات کردستان که شعب آن در کردستان عراق و کردستان ترکیه

۱ - اسامی مربوط به کنفرانس سه مرز از کتاب (کردستان و الحر که القومیه الکردیه) نوشته‌ی جلال طالباني چاپ ۱۹۶۸ بغداد استخراج شده است .

نیز اقدام بفعالیت و جنب و جوش می‌نمایند نهضت‌های کرد وارد مرحله نوینی از مبارزات خود می‌شوند و در این مرحله از مبارزه راههای اصولی و سیاسی در پیش گرفته می‌شود و شعب حزب در کرستانات کوشش می‌نمایند که توجه روشنفکران و جوانان کرد را بسوی خود جلب نمایند و از سوی دیگر چنانکه از اسناد و مدارک حزب دمکرات کردستان برمی‌آید از سال ۱۹۴۵ و شاید قبل از آنهم حزب با دول خارجی چون آمریکا - بریتانیا - روسیه و چین و آلمان و فرانسه تماس برقرار می‌نماید حزب برای سروسامان دادن بکار نظامی خود در همان سال ۱۹۴۵ ملامصفی بارزانی فرزند شیخ محمد تاج‌الدین بارزانی را بفرماندهی نیروهای مسلح خود برمی‌گزیند اگرچه در این باره گروهی براین عقیده‌اند که ملامصفی رهبری حزب را نیز بعهده داشته است ولی طبق اسناد و مدارکی که در دست نگارنده هست در سال ۱۹۴۵ نه تنها ملامصفی رهبر حزب دمکرات کردستان نبوده بلکه حزب هیوا (امید) نیز هنوز فعالیت داشته و از طرف دیگر در آن سال غیراز حزب دمکرات کردستان و هیوا گروه دیگری بنام هیئت آزادی کرد فعالیت داشته و رهبری آن گروه ملامصفی بارزانی بعهده داشته است و رابطه‌ی بسیار نزدیکی بین این سه گروه بوده است و ملامصفی غیراز رهبری گروه آزادی کرد فرماندهی نیروهای مسلح هرسه جمعیت را بعهده داشته است و طبق اسنادی که در دست هست در آن سال ملامصفی ملاقاتهای متعددی با کاپیتان ستوکس معاون مشاور سیاسی بریتانیا در عراق و مأموریت مورو

کاپیتان جاکسون روی داده است و طبق نامه‌ای که در دسترس هست که از متن آن بر می‌آید از سوی بریتانیا کمک‌ها نیز به حزب شده و متن نامه چنین است.

موصل - محرمانه دهم اوت ۱۹۴۵

آفای ملام مصطفی بارزانی

اگر دستورات دولت عراق را اطاعت نکنید از کلیه توجهات ما محروم خواهید بود.

کلینل مید - مشاور سیاسی موصل

همین تماسها و کمک‌های ممالک امپریالیستی جهان به کردها و تخم آزادی کردستان کاشتن در قلوب اکراد باعث گردید که کرد بصورت مستله‌ی مهم و تا کنون لابنحلی در آید و هریک از مناطق کردستان و کردنشین خود بخود به میدانهای نبرد و بمبهای آتش زایی در آیند و اوراق تاریخ آنها گلگون گردد و این عمل در منطقه‌ی کردنشین مهاباد در سال ۱۳۴۴ عکس العمل خود را بصورت جمهوری کردستان بروز داد و رهبر ملت ایران شاهنشاه آریامهر می‌نویسد:

- ۱ - چون بحث مربوط به فعالیت کردهای عراق خارج از برنامه کارکنویی ماست فعلا از آن صرفنظر می‌شود و در فرصت مناسب به تحقیق وسیعی در آنمورد خواهیم پرداخت و آنچه جسته و گریخته نیز مطرح شد بدین علت بود که تاحدودی مربوط به کردستان ایران نیز می‌شد لذا تاچاراً وارد بحث آن شدیم. احمد شریفی
- ۲ - مأموریت برای وطنم اثر ارزشمند شاهنشاه آریامهر ص ۷ - ۱۴۶

چاپ تهران - ۱۳۵

آنچه آنرا بنام جمهوری کرد نامیده بودند از نهضت ملی طوایف کرد سرچشمه می گرفت که در دوران جنگ اول جهانی انگلیسی‌ها ایجاد کرده و روسها در دوران جنگ دوم جهانی آنرا تقویت نمودند شاهنشاه آریامهر پس از اشاره به حوادث دیگر در مورد کردهای جمهوری کردستان در مهاباد می‌نویسد: روسها در میان کردهای ساکن کشور ایران رخنه کرده و می‌خواستند نواحی شمال غربی ایران را یکی از کشورهای دست نشانده خود بسازند و تشکیل کشور کرد نیز برای انجام همین منظور بود امید روسیه این بود که بعدها بکشورهای عربی آفریقا دست یابد. این آرمان و اهدافی که شاهنشاه آریامهر از این سخن می‌راند باعث می‌شود که روسها در دوران جنگ جهانی در میان اکسراد منطقه مهاباد نفوذ یافته و با سران حزب (ژیانه و هی کردستان) تجدید حیات کردستان تماس حاصل مینمایند و پس از گفتگوهای بسیار با استفاده از آشوبهای کشور وضع حکومت مرکزی در سال ۱۳۲۴ اقدام به تشکیل جمهوری کردستان در مهاباد می‌گردد و بدنبال اعلام جمهوری کردستان نیروهای جمهوری کرد اقدام به خلح سلاح شهربانی مهاباد و سایر نیروهای دولتی می‌نمایند. از طرف حزب یکی از چهره‌های آشنا و عالم و محبوب منطقه یعنی قاضی محمد را بریاست جمهوری کرد منصوب می‌نماید. قاضی محمد فرزند قاضی علی یکی از خانواده‌های سرشناس و معتبر مهاباد بوده و هستند قاضی علی و قاضی منعم در جریان حمله‌ی روسهای تزاری به منطقه‌ی

مهاباد از خود جانفشارانهای بی‌مانندی بروز داده و قاضی فتاح یکی از شهدای نهضت مشروطیت ایران بوده و این خانواده همیشه مورد لطف و حمایت شاهان وقت ایران بوده و از سوی دیگر دارای محبوبیت خاصی در میان کردان منطقه‌ی مهاباد بودند و بهمین دلایل از سوی روسها و حزب دمکرات کردستان قاضی محمد را برای است جمهوری کردستان انتصاب می‌نمایند و جمهوری کردستان اقدام به تشکیل نیروهای مسلح کرد ایجاد مدارس و تدریس زبان کردی ، انتشار جراید کردستان و هاوایی کردستان «فریاد کردستان» در سال ۱۹۴۵-۴۶ بزبان کردی کرده و برای تقویت هرچه بیشتر خود با جمهوری خود مختار آذربایجان در تبریز نیز وارد بحث و مذاکره می‌شود و در همان ایام در کردستان عراق نیز نیروهای کرد بفرماندهی ملامصطفی بارزانی که با دولت مرکزی وارد نبرد شده بودند از نیروهای دولتی شکست خورده و چنگچویان بارزانی بفرماندهی ملامصطفی و شیخ احمد رهبر بزرگ و روحانی خود در روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۵ آخرین مواضع خود را در کوه پیرس که یکی از جبال صعب‌العبور کردستان عراق است ترک کرده به ایران می‌آیند و مهمان جمهوری کردستان می‌شوند و نیروهای مسلح بارزانی که از چنگچویان طوائف روی زمین می‌باشند در اختیار قاضی محمد قرار خواهند گرفت . آمدن بارزانیها به ایران بکلی روحیه‌ی اکراد منطقه مهاباد را تغییر می‌دهد و اطمینان بیشتری به بقاء جمهوری خود خواهند داشت و از سوی دیگر

و عده و وعیدهای میر جعفر باقر اف^۱ رئیس جمهور آذربایجان شوروی که با جمهوری مهاباد در تماس بود باعث می‌گردد که در روز دوم بهمن

۱۳۲۴ جمهوری کردستان کابینه‌ی خود را بشرح زیر :

۱ - حاج شیخ بابا نخست وزیر^۲

۲ - محمد امین معینی وزیر کشور

۳ - احمد الهی وزیر اقتصاد

۴ - کریم احمدیان وزیر پست و تلگراف

۵ - حاج رحمان ایلخانی زاده وزیر مشاور

۶ - محمد حسین سیف قاضی وزیر جنگ

۷ - مناف کریمی وزیر فرهنگ

۸ - صدیق حیدری وزیر تبلیغات

۹ - خلیل خسروی وزیر کار

۱۰ - حاج مصطفی داودی وزیر تجارت

۱۱ - محمود ولیزاده وزیر کشاورزی

۱۲ - اسماعیل ایلخانی زاده وزیر راه

ضمیماً پس از اعلام کابینه کردستان اقدام بنایسیس مجلس ملی

۱ - رجوع شود به کتاب خاطراتی از مأموریتهای من در آذربایجان نوشته‌ی

سرلشگر زنگنه ص ۶۱

۲ - اسمی از کتاب « از مهاباد خونین تا کرانه‌های ارس » نوشته‌ی نجفی

پسیان چاپ تهران ۱۳۲۸

کردستان نیز بشرح زیر می‌گردد^۱ :

۱ - قاضی محمد^۲

۳ - عمر شریفی

۴ - محمد حسین سیف قاضی

۵ - رشید بگ جهانگیری

۶ - زیرو بگ بهادری

۷ - قاضی محمد خدری

زعمای جمهوری کردستان پس از اعلام کابینه و مجلس کردستان برای تقویت هرچه فزونتر خود با جمهوری همزار خود در آذربایجان وارد بحث و مذاکره می‌شوند بدین جهت روز سهشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۲۵ در ساعت ۵ بعداز ظهر جلسه‌ای در عمارت مجلس آذربایجان در تبریز با شرکت سران دو جمهوری تشکیل می‌شود که از طرف جمهوری کردستان آقایان :

۱ - قاضی محمد رئیس حکومت کردستان^۳

۲ - سید عبدالله گیلانی عضو کمیتهی مرکزی حزب دمکرات

کردستان .

۱ - اسامی از کتاب عشا بر بارزانی نوشتهی احمد شریفی ص ۴۱

۲ - قاضی محمد (بنیانی) در سال ۱۹۰۱ در مهاباد تولد و ۱۹۴۸ اعدام شده است .

۳ - اسامی از کتاب (خاطراتی از مأموریتهای من در آذربایجان) نوشتهی سرلشگر احمد زنگنه ص ۹ چاپ تهران مرداد ۱۳۵۳

۳ - خمر شریفی رئیس ایل شکاک و عضو کمیته‌ی مرکزی حزب
دمکرات کرستان.

۴ - محمد حسین سیف قاضی وزیر جنگ حکومت کرستان.

۵ - رشید بگ جهانگیری رئیس عشیره هر کی و عضو کمیته‌ی
مرکزی حزب دمکرات کرستان

۶ - زیرو بگ بهادری عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات
کرستان.

۷ - قاضی محمد خدری نماینده اکراد اشنویه.

و در این جلسه از طرف فرقه‌ی دمکرات آذربایجان نیز نماینده‌گان
زیر شرکت داشتند :

۱ - علی شبستری رئیس مجلس آذربایجان

۲ - سید جعفر پیشه‌وری نخست وزیر

۳ - صادق پادگان معاون صدر فرقه‌ی دمکرات آذربایجان

۴ - بیریا وزیر فرهنگ حکومت آذربایجان

این جلسه که برای تحکیم دوستی دو ملت کرد و آذربایجان
تشکیل می‌شود و درباره‌ی مسائل زیر بتوافق می‌رسند.

۱ - طرفین حق برقراری سفارت و کنسولگری در خاک یکدیگر
را داشته باشد.

۲ - در نقاطی از آذربایجان که ساکنین آن کرد باشند کار ادارات
بعده‌ی اکراد خواهد بود و در نقاطی از خاک کرستان که ساکنان آن

بیشتر آذربایجانی باشند امور دولتی و سیلیه حکومت آذربایجان اداره گردد .

۳- برای حل مسائل اقتصادی کمیسیون مختلطی تشکیل و تصمیمات کمیسیون با مساعی سران هردو حکومت اجرا گردد .

۴- در صورت لزوم بین حکومت ملی آذربایجان و کردستان اتحاد جنگی منعقد و طرفین از کمکهای متقابل برخوردار خواهند شد .

۵- هر گونه مذاکره با حکومت تهران بموافقت هردو حکومت آذربایجان و کردستان مقدور خواهد بود .

۶- حکومت آذربایجان برای پیشرفت زبان و ترقی فرهنگ کردی اکرادیکه در آذربایجان زندگی می کنند کوشش خواهد نمود و حکومت کردستان نیز تا اندازه ای که بتواند برای ترقی فرهنگ و زبان آذربایجانی که در خاک کردستان بسر می برند مساعی خواهد نمود .

۷- هر کس برای برهم زدن مقام دوستی و تاریخی دو نژاد آذربایجان و کردستان واژ بین بردن اتحاد دمکرات ملی یا لکه دار کردن آن اقدام کند و سیلیه طرفین مجازات خواهد شد . این سند را کلیه اعضای هردو حکومت امضاء می نمایند و این رویداد نزدیک بیکسال طول می کشد تا اینکه در آذرماه ۱۳۲۵ نیروهای دولتی بفرماندهی سرلشگر همایونی وارد منطقه ای آذربایجان می شوند و پس از چندین نیرو در حوالی سقز و بوکان که بین نیروهای دولتی و اکراد بفرماندهی محمد رشید خانزاد (حمه رهشید خان) روی می دهد نیروهای دولتی وارد

مهاباد می‌شوند لذا گروهی از نیروهای کرد همراه با رزانیها بفرماندهی شیخ احمد بارزانی و ملامصفی بارزانی از مهاباد بسوی نقده و اشنویه عقب‌نشینی می‌کنند و سران حکومت جمهوری کردستان نیز دستگیر می‌شوند و پس از محاکمات در شب دهم فروردین ماه ۱۳۴۶ قاضی محمد رئیس جمهور کردستان و صدر قاضی و سیف قاضی در میدان (چوارچرا) مهاباد اعدام می‌گردند و نیروهای دولتی نیز به تعقیب اکراد و بارزانیها در رشته جبالهای مرزی می‌پردازند و پس از یک سلسله نبرد و مبارزه زنان و کودکان و پیرمردان کرد و بارزانی همراه شیخ احمد بارزانی در عراق بر می‌گردند و گروهی از زیدگان نیز با ملامصفی بارزانی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پناهنده^۱ می‌شوند، بدنبال برچیده شدن بساط در جمهوری کرد و آذربایجان در خردادماه سال ۱۳۴۶ برای اولین مرتبه اعلیحضرت محمدرضا شاه به آذربایجان تشریف فرمایشوند و در موقع بازدید از مهاباد خانواده و بازماندگان خانواده قاضی محمد را مورد تقدیر قرار می‌دهد و دیگر وقایع قابل توجهی در منطقه‌ی مهاباد روی نمی‌دهد تا اینکه در سالهای ۱۳۴۰ بعده حزب توده‌ی ایران گسترش سازمانی می‌دهد و شعبه‌ی حزب توده نیز در مهاباد دایر می‌شود و در یکی از متنینگ‌های حزب توده که در باغ میکائیل برگزار می‌شود که طی آن جوانی بنام (حسن رمضانی) کشته می‌شود و گروهی از

۱ - شرح نبرد بارزانیها و رویه‌مرفه اکراد عراق در نشایه‌ای تحت

عنوان (کردهای عراق) در دست تهیه است - احمد شریفی

دست اندکاران تشکیلات حزب توده توسط مأمورین انتظامی دستگیر می شود و پس از برکناری دکتر مصدق از مصدر نخست وزیری بکلی تشکیلات توده ایها نیز در مهاباد منحل می شود و مهاباد مورد توجه خاص شاهنشاه قرار می گیرد و از دیگر و قابع قابل ذکر آن قیام مسلحانه ای است که در سال ۱۹۶۷ در منطقه برآه افتاد و چون آنها در اصل ساخته و پرداخته ای بعثه ای عراق بودند و در میان توده های مردم روستایی و شهری محبوبیتی نداشتند و تا اندازه ای ماهیت آنان نیز روشن بود نتوانستند کاری کنند و کرده ای منطقه بامأمورین انتظامی همکاری نموده و از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۸ که آنها در منطقه فعالیت داشتند بیش از ۳۰ تن از آنان بدست نیروهای دولتی کشته می شوند لذا با کشته شدن گروهی از آنان بقیه هم بدامن حکومت بعضی عراق عودت کرده و غایله پایان یافت و دیگر از این تاریخ بعد و قابع و رویداد قابل توجهی در منطقه مهاباد روی نداده است.

مهر ماه ۱۳۵۴

پایان

خواننده عزیز : از صفحه ۳ الی ۸ « اسماعیل آقا سمکو » را به « اسماعیل آقا سمتکو » اصلاح فرمایید .

بهاء ۲۵ ریال

۱۰

شماره ثبت اداره فرهنگ و هنر مهاباد

۸۲۸

۵۲/۲/۱

مرکز فروش :
کتابفروشی و صحافی مهرگان
تبویز - خیابان تربیت بازار شیخ صفی

